

حفاظت فرهنگی یا فرهنگ حفاظت در توسعه پایدار

دکتر حسن سجاذاده^۱، سمانه روستایی^۲، سمیه افشاری آزاد^۳

۱- دکترای طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی، گروه معماری و شهرسازی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد شعبه علوم و تحقیقات همدان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد شعبه علوم و تحقیقات همدان

چکیده

ابنیه و بافت های تاریخی، امروزه به عنوان بخش مهمی از صنایع فرهنگی و گردشگری شناخته شده اند که حفاظت فیزیکی از آنها و ارتقاء فرهنگ حفاظت، نقش بسیار مهمی را در توسعه پایدار در جوامع پیشرفته بازی می کنند. این فضاها و بناها در جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه، باگذشت زمان روند رو به فرسایش و نابودی را طی کرده و با مسائل و معضلات محیطی و پایداری گوناگونی روبرو شده اند و توان پاسخگویی به فعالیت ها و نیازهای جوامع امروزی را از نظر کارایی یا فعالیتی از دست داده اند. اهمیت این بافت ها زمانی آشکار می گردد که نگاهی حفاظت گرا به این فضاها در توسعه پایدار در جوامع پیشرفته داشته باشیم. بدون شک هر یک از این فضاها در گذشته فضای تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه بوده و نقشی حائز اهمیت در زندگی شهروندان داشته اند. امروزه نیز احیاء این فضاها به عنوان صنایع فرهنگی و میراث ارزشمند، نقش مهمی را می تواند در توسعه پایدار ایفاء نماید. لذا مقاله قصد دارد که با ارائه رویکرد حفاظت فرهنگی و فرهنگ حفاظت، در قالب نمونه موردی بافت شهری کرمانشاه، به ارائه عوامل موثر در بهره گیری مناسب از این فضاها در جهت ایفاء نقش آنها در توسعه پایدار بپردازد.

کلید واژه: صنایع فرهنگی، توسعه پایدار، بافت تاریخی، حفاظت، میراث فرهنگی.

۱- دکترای طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی، گروه معماری و شهرسازی، Tel: ۰۹۱۸۸۳۷۰۰۳۹، Email: h.sajadzadeh@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد شعبه علوم و تحقیقات همدان، Tel: ۰۹۱۸۳۵۳۴۴۹۴، Email: samane.roostaie@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد شعبه علوم و تحقیقات همدان، Tel: ۰۹۱۸۷۰۸۴۲۸۲، Email: arch.afshari@gmail.com

مقدمه

اگر می‌گویید «هیچ ملتی نمی‌تواند گذشته خود را فراموش کند»، گذشته زنده است و در بین ما حرکت می‌کند. پس چرا باغ فین کاشان، باغ شازده ماهان، مقبره شاه نعمت‌الله ولی، منزل بروجردی‌ها، مسجد شیخ لطف‌الله مورد تحلیل معمارانه قرار نمی‌گیرد... و سایر ابنیه ارزشمند ایران که دقیقا مهد تبلور «تئوری‌های نو» است فراموش می‌شود. (۱) توسعه و گسترش روز افزون شهرها و افزایش جمعیت آنها و پر شدن فضاهای مسکونی باعث کاهش توجه به مسایل فرهنگی و همچنین بافت‌های تاریخی که نشانه فرهنگ هر ملتی است می‌باشد. بدون شک در سایه ساخت و سازهای عظیم در بافت‌های شهری همیشه بناهای تاریخی مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. حال اینکه این بناها اگر مورد باز زنده سازی و حفاظت قرار بگیرند بدون شک تأثیرات مطلوبی را نه تنها در تقویت فرهنگ جامعه دارند بلکه می‌توانند راهکاری در جهت جذب گردشگر و عاملی در جهت توسعه اقتصادی و در سایه آنها توسعه پایدار باشند.

فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای است که معانی گوناگونی دارد. اغلب ۳ تعریف عمده برای فرهنگ در نظر گرفته می‌شود:

- (۱) برترین فضیلت در هنرهای زیبا و امور انسانی که همچنین به فرهنگ عالی شهرت دارد.
- (۲) الگوی یکپارچه از دانش، عقاید و رفتار بشری که به گنجایش فکری و یادگیری اجتماعی نمادین بستگی دارد.
- (۳) مجموعه‌ای از گرایش‌ها، ارزش‌ها، اهداف و اعمال مشترک که یک نهاد، سازمان و گروه را مشخص و تعریف می‌کند. (۱۳)

و در یک تعریف ساده می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از تمام ویژگیهای عاطفی، فکری و معنوی دانست که هر گروه اجتماعی یا جامعه‌ای را مشخص می‌کند. (۲)

صنایع فرهنگی:

صنایع فرهنگی نتیجه عوامل محسوس و نامحسوس است که خلاقیت مردم از طریق آنها متجلی می‌شود. این عوامل عبارت‌اند از: زبان، آداب و رسوم مذهبی، باورها، مکان‌ها و یادمان‌های تاریخی، ادبیات، کارهای هنری، آثار موجود در آرشیوها و مراکز اسناد و کتابخانه‌ها و نظایر آن، که در قالب صنایع فرهنگی می‌توان آنها را ارائه کرد. (۳)

در نگرش جدید، صنایع فرهنگی جزئی از زندگی روزمره انسان‌ها شده‌اند، به طوری که آن را می‌توان عاملی هویت‌بخش نامید. بیانگر چستی و کیستی یک جامعه یا شهر و روستاست و چون با زندگی مردم عجین می‌شود، میراث فرهنگی زنده خواهد ماند. هویت هر جامعه و نگاه مردم آن به یک پدیده در صنایع فرهنگی انعکاس می‌یابد. با توجه به اینکه صنایع فرهنگی مفهومی هویتی است، تشخیص و هویت هر جامعه با آن صنایع ارتباط دارد و پیوند نسل‌ها را طی تاریخ به وسیله صنایع و میراث فرهنگی می‌توان حفظ کرد. (۴)

میراث:

میراث یعنی آنچه که از گذشته به ارث رسیده و عموماً باتداعی گذشته همراه است و معمولاً مترادف با ارزش بوده است. تا جایی که می‌تواند با عناصر ناندیشه مانده اش منبعی برای تفکر و تعقل و حتی در مراتبی دیگر پیامی برای

عبور از حالی به حال دیگر، حتی از محسوسی به محسوس دیگر باشد. تجلیلات رمزی و اصالت‌های نهفته در بطن و متن شی تاریخی (میراث فرهنگی - معماری) است که ما را به گذشته و پیام عمیق بیان گرایانه اش دعوت می کند. (۱)

آثار باستانی و مواریت فرهنگی:

۱- آثار باستانی: اصطلاحاً آثار باستانی اصلاحی متداول است در میان مجموعه آنچه از گذشتگان بدست ما رسیده است، اعم از این که مربوط به گذشته های بسیار دور و یا گذشته نزدیک باشد و در قالب هر چیزی که مبین تحولات تاریخی باشد. آثار باستانی شامل میراث فرهنگی و ثروت فرهنگی است. (۵)

مفهوم اثر تاریخی نه تنها شامل ساخته های منفرد معماری میگردد، بلکه فضای شهری و مناظری را که شاهد گویایی از یک تمدن خاص، از یک تحول مشخص و از یک حادثه تاریخی است نیز شامل می شود. این مفهوم تنها مختص ساخته های معماری کلان نبوده، بلکه در مورد ابنیه و آثار کوچک معماری که به مرور معنی و مفهوم فرهنگی به خود گرفته اند، نیز بکار برده می شود. (۶)

۲- میراث فرهنگی: آن قسمت از اثر تاریخی که بیانگر ارزش آن است اعم از ارزش هنری، تاریخی عملکردی و غیره عنوان میراث فرهنگی پیدا می کند. میراث فرهنگی ممکن است مربوط به حال باشد و یا مربوط به گذشته که با آثار باستانی ارتباط پیدا می کند. هر اثر باستانی میراث فرهنگی خواهد بود و به عبارتی رابطه بین آنها عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

۳- ثروت فرهنگی: آن قسمت از میراث فرهنگی که در حین ارزش فرهنگی، ارزش اقتصادی نیز داشته باشد، ثروت فرهنگی نامیده می شود. (۵)

میراث فرهنگی طبیعی که هدیه الهی به بشر است، به عنوان اندوخته ای بارور و موزه ای ماندگار و زنده برای انسان تشنه و حریص است، انسان مصرف کننده، سازنده و مخربی که سالهای متمادی همزیست با آن است، و اینک بیش از هر زمان دیگر به ارزش و اهمیت آن پی برده و برای حیات خود ناگزیر به حفاظت آن است. و زمانی خواهد توانست به رشد و توسعه ای موزون، هماهنگ و پایدار دست یابد که با برنامه ریزی های آگاهانه و عالمانه خود در حفظ و نگهداری آن کوشا باشد.

ما باید به دقت بر روی آثار بازمانده از گذشتگان که امروزه امانت دار آن هستیم، تامل کنیم و آنها را بشناسیم و از آنها حفاظت و مرمت و نگهداری کنیم. اعتقادات دینی، ملی و فرهنگی ما نیز توجه خاصی به حفظ و نگهداری میراث زیست محیطی و آثار فرهنگی دارد. (۷)

سرزمین فرهنگی ایران محدوده ای است که به گواه تاریخ و مطالعات باستان شناسی از تاریخ معماری و شهرسازی بلند و باشکوهی برخوردار است. سالیان دراز است مردم این سرزمین تلاش می کنند تا رازها و معماهای مختلفی را که برای زیستن در جغرافیای ایران وجود دارد حل و فصل نمایند. موقعیت این فلات در جغرافیای جهانی و گذر اقوام و فرهنگ های مختلف ویژگی های فرهنگی متفاوتی را موجب شده است و بدین وجه معماری و شهرسازی مردمان ایرانی به شیوه هایی قابل شناسایی است. این امر موجب شده است انبوهی از تک بناها، مجموعه ها و شهرها و محوطه های تاریخی در این سرزمین وجود داشته باشد و نگهداری از آنها به هر هدفی که باشد، اقتصادی - فرهنگی یا ترکیبی یا نظیر اینها به روش مندی نیاز دارد. (۸)

در مقدمه منشور ونیز ۱۹۴۶ آمده است: «امروزه همگان تأیید می کنند که حراست از این میراث برای نسلهای آینده مسئولیت مشترک همه ماست. ما موظفیم میراث مشترک را در کمال اصالت آن به نسلهای آینده بسپاریم»، «یادمان های تاریخی به جای مانده از نسل های پیشین، الهام بخش پیام گذشته اند و همچون شاهدان زنده ای از سنت های کهن آنها برای نسلهای حاضر می باشند» (۹) «وقت آن رسیده که این شاهدان زنده الهام بخش را جور دیگری بدر عظمت و غنای آن تردید نداشت و شکی در امکان ارائه یک معماری ملی، برای مطرح بودن در معماری امروز جهان نداشت. کمتر جایی از جهان و کمتر دوره ای از تاریخ معماری، غنای معماری ایران را دارد.» (۱۰)

امروزه تمایل به درک میراث فرهنگی در وسیع ترین مفهوم آن وجود دارد. پیرنیا در این راستا چنین آورده است: «بناهای تاریخی هر کشور فرهنگ و کارنامه مردمی است که در آن زندگی کرده اند. هرچند برگهای زرین این دفتر پر ارج پراکنده، از همین پراکنده ها چیزهایی می توان گرد آورد که در هیچ دیوان پرداخته ای نیامده است» (۱۱) و «در کشوری که شاهکارهای معماری جهانی آن بیش از عدد انگشتان دست باشد بدیهی است جا دارد هنر معماری آن از دیده های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.» (۱۲) لذا شایسته است مجموعه این دیوان بی بدیل، میراث فرهنگی-معماری با نگاه تخصصی و تحلیلی در سامانه آموزشی آموزش معماری بررسی و بدان پرداخته شود.

نصر می گوید: «نیاکان ایرانی ما... به خلق هنری بی زمان پرداختند که با ابدیت پیوند داشت و بموجب همین پیوستگی، ارزش و اعتباری جاودانه یافت» و آینه ای شد برای انعکاس عالم معنا و از همین نگاه است که باید اول هنر پیشینیان یا میراث فرهنگی این آب و خاک را مشتاقانه دید، باید خواند، باید شنید، باید فهمید و امیدوارانه از آنها الهام گرفت. و ثانیاً سامانه حفظ تاریخی ذهن را باید طوری سامان داد که حافظ مقتدر هویت فرهنگی-معماری کشور باشد. (۱)

حفاظت:

این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ آکسفورد به معنای جلوگیری کردن از ساختار زدایی، خسارت دیدن، تلف شدن و از بین رفتن است و در دایرةالمعارف بریتانیکا به معنی مراقبت و محافظت از یک اثر می باشد. (۶)

حفاظت فرهنگی:

مجموعه اقداماتی که موجب استمرار حیات و زنده بودن میراث طبیعی و فرهنگی گردد. مجموعه اقداماتی که سبب حفظ و نگهداری از مایملک فرهنگی برای آیندگان شود. (۶)

توسعه:

توسعه یکی از پیچیده ترین مفاهیم بشری است. اگر چه در ابتدا توسعه را یک پدیده عینی اجتماعی-اقتصادی تعریف می کردند. ولی امری پیچیده، چند بعدی و کل نگرانه ای فراتر از توسعه صرف اقتصادی است و به سادگی نمی توان با شاخص های کمی نظیر درآمد سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه گذاری، با انتقال تکنولوژی پیشرفته از جوامع مدرن به کشورهای جهان سوم اندازه گیری کرد. چرا که علاوه بر بهبود وضع اقتصادی و ترقی سطح تکنولوژی و ازدیاد ثروت ملی، بایستی تغییرات اساسی کیفی در ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدید آید. توسعه متوازن فقط با

تلفیق و ادغام عوامل فرهنگی در استراتژی های طرح ممکن است. در نتیجه این استراتژی ها همیشه باید با توجه به زمینه های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی هر جامعه تعیین گردند. (۱۳)

توسعه فرهنگی:

توسعه فرهنگی عبارت است از رشد آگاهی ها، قابلیت ها و امکانات هر قوم در برآوردن نیازهای مادی و معنوی. بنا بر تعریف دیگر، توسعه فرهنگی عبارت است از نشای بذر فرهنگ بومی در تک تک افراد جامعه و تلاش در رشد و پرورش این بذر تا آنجا که امکانات خدادادی هر فرد میسر می سازد و علاوه بر آن فراهم آوردن شرایط تعامل مطلوب بین فرهنگ بومی و فرهنگ غیر بومی به منظور دستیابی به فرهنگی غنی تر و پربارتر که کیفیت مادی و معنوی زندگی را با شدت بیشتر، پیش برد.

توسعه فرهنگی جزئی از مفهوم توسعه است، اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که دستیابی به توسعه فرهنگی به مراتب دشوارتر از توسعه در دیگر بخش ها، نظیر توسعه اقتصادی و سیاسی است. توسعه فرهنگی از فرایندهایی است که هرگز نمی توان آن را به شکل سطحی و کوتاه مدت در جامعه مطرح کرد، زیرا این مقوله به زیرساخت های محکم و مداوم فکری نیاز دارد. در حقیقت توسعه فرهنگی زمانی در جامعه ای تحقق می یابد که ذهنیت افراد آن جامعه متحول شده و همگان به امکانات فرهنگی موجود در جامعه به شکل یکسان دسترسی داشته باشند. (۱۳)

توسعه پایدار:

توسعه پایدار مفهومی است که در سال های اخیر به عنوان یک مسأله جهانی به آن نگریسته شده است. امروزه اصطلاح توسعه پایدار به عنوان موضوع کنفرانس ها، موسسات پژوهشی و نهادهای بین المللی و به خصوص برنامه ریزان رشد و توسعه کشورها درآمده است و چنین به نظر می رسد که توسعه پایدار به صورت الگویی مناسب برای توسعه در دهه های اخیر و آتی ظاهر گشته است.

تعاریف متعددی از توسعه پایدار ارائه شده است برخی معتقدند توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای زمان حال را بدون اینکه توانایی های نسل آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره اندازد، فراهم کند. عده ای دیگر آن را مفهوم جدیدی از رشد قلمداد کردند که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی جهانیان و نه برای تعداد اندکی از افراد برگزیده به ارمغان می آورد. در کل توسعه پایدار به عنوان یک فرایند لازمه بهبود و پیشرفت است، فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از بین برنده کاستی های اجتماعی - فرهنگی جوامع است و نیروی محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام کشورها می باشد. (۱۳)

آسیب های آثار باستانی و مرمت آنها:

تمامی عوامل انسان ساخت و طبیعی موجود در شهر و حتی خود انسانها، درگیر تغییر و تحولاتی پیوسته و آرام می باشند. رهایی از این تغییرات امکان پذیر نیست، زیرا به معنای سکون، ثبات و توقف است که منجر به مرگ حیات

شهری می گردد. تغییر لازمه ی حیات زندگی بشر و حیات واقعه ای شهری است، که میزان سرعت و شتاب آن متفاوت است. گهگاهی تصور می شود، تغییر زمان را با شتاب، سریع و جهشی طی کرده و چهره سیما و پیکره شهر را دگرگون می سازد، گویا همه چیز از میان رفته و حیاتی نو در جریان است. گاهی نیز تصور می شود، تغییر آرام، پیوسته و همیشه، زمان را طی می نماید و از آن عبور می کند. در هر دو گونه، تغییر ردپایی را از خود در زمان و مکان بر جای میگذارد و تحولی ژرف در حیات شهری ایجاد می کند و باعث فرسایش و فرسودگی فضاها و فعالیت های شهری می گردد و چهره و معنایی متفاوت را ایفا می کند.

اکنون اگر به شیوه ای تمثیلی، کالبد شهر به عنوان ظرف و مجموعه فعالیت های درون آن به عنوان مظروف در نظر گرفته شود، می توان چنین گفت که تحولات مربوط به هر یک از آن دو می تواند دیگری را متحول سازد. تحولات ظرف اساساً بصورت ترمیمی و تحولات مظروف بصورت تدریجی است. در قرن گذشته (قرن بیستم) تحولات ترمیمی ظرفها جای خود را با تحولات تخریبی، تعویض کرده اند. و بدین ترتیب کالبد و فعالیت و در مجموع، فضای شهری دچار نوعی دگرگونی، تغییر و فرسودگی شده اند.

فرسودگی یکی از مهمترین مسائل مربوط به فضای شهری است که باعث بی سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی قوارگی آن می شود. فرسودگی عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقعه ای و شکل گرفتن حیات شهری روزمره ای کمک می کند. این عامل باعث کاهش عمر اثر و حرکت به سوی نقطه پایانی اثر می گردد.

مرمت کاری آیینی و مستمر است که نمی توان آن را در یک زمان مشخص بصورت مقطعی آن هم بصورت مسکن اعمال کرد. مرمت به دو صورت امکان پذیر است. (۱) تعمیر، (۲) نگهداری.

مرمت شهری یعنی دخالت آگاهانه در فضای شهری برای جلوگیری از فرسایش و معاصر سازی آن. مرمت شهری را می توان به سه طریق عمده به انجام رساند:

(۱) بهسازی: شامل مجموعه اقداماتی است که به منظور بهبود کالبد، که در نتیجه فرسایش فعالیت تحقق یافته است، در کوتاه مدت صورت می پذیرد.

(۲) نوسازی: زمانی صورت می پذیرد که فضای شهری مجموعه یا بنا از کارکردی مناسب و معاصر برخوردار بوده ولی فرسودگی نسبی کالبدی فضایی باعث کاهش بازدهی و کارایی آن شده است. مجموعه اقداماتی است که در عین حفاظت بنا سازمان فضایی اثر را معاصر سازی می کند.

(۳) بازسازی: به معنای از نو ساختن است. و در زمانی صورت می گیرد که در بنا فرسودگی به صورت کامل ایجاد شده باشد. (۶)

آسیب شناسی حفاظت از موارث فرهنگی در ایران معاصر:

فرآیند حفاظت از ابنیه و بافت های تاریخی به عنوان رویکردی موثر در حفظ و ارتقاء فرهنگ یک جامعه فرآیندی است در بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته به عمل درآمده و در کشور ما تنها در محافل و مجامع علمی و دانشگاهی مورد ترویج و تشویق قرار گرفته است. اما چیزی که در واقعیت شهرهای معاصر ما دیده می شود، حکایت دیگری را روایت می کند. توسعه لجام گسیخته و شتابزده در متن شهرهای گذشته که با ورود تفکر مدرنیته شروع

شده و همچنان به بهانه نوسازی و معاصر سازی به صورت لجبازانه و اقتدارگرایانه راه خویش را ادامه می دهد، به تدریج آخرین بقایا و بازمانده های میراث فرهنگی و خاطرات تاریخی با نابودی قطعی مواجه کرده است.

با نگاهی به تجارب و رویدادهای مختلف در جهان و شهرهای ما مهمترین سوالی که در این زمینه مطرح است، این است که چرا وجود چنین بافت ها و بناهایی در کشورهای دیگر و به خصوص کشورهای توسعه یافته، پر رونق ترین، زیبا ترین، جذاب ترین، گران ترین و مایه فخر و مباهات مکان ها و فضاهای شهری شناخته شده، و به عنوان سرمایه ای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به آن نگاه می کنند؛ در حالی که همین بناهای باارزش و بافت های خاطره انگیز در شهرهای ما بی رونق ترین، کسالت بارترین، متروک ترین و مفلوک ترین بناها و فضاها شناخته شده و پدیده ای درد سرساز و معضل ساز در نزد برنامه ریزان، سازمان ها، مدیران و حتی گاهی اوقات مردمان ما شده است؟ برآستی مقصر کیست؟ این قضیه هنگامی درد ناک تر می شود که می بینیم تنها در یک شهری با قدمتی نه چندان زیاد در اروپا، بیش از صدها اثر تاریخی و ابنیه سنتی آن ثبت یونسکو می گردد، آن هم آثاری که شاید کل آن را با هم ارزیابی کنیم به اندازه یک یا دو اثر فاخر در کشور ما برابری ننماید، در حالی که کشور ما با قدمتی چند هزار ساله و با تمدنی عظیم تنها چند اثر آن هم به تعداد انگشتان دست توانسته بلیط ورود در چنین سازمان هایی را دریافت نماید. در اینجا مسئله ای دیگر مطرح است که آیا به حقیقت همه افرادی که دست اندر کار طراحی، برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرایی در سطوح مختلف هستند و مبانی نظری و عملی برنامه ها و توسعه شهرها را فراهم می کنند، تا چه میزان اعتقاد به حفظ میراث فرهنگی و تاریخی کشور دارند؟ آیا همه آنها در ارتباط با اهمیت و ارزش این میراث و تاثیر آن در کیفیت کالبدی شهری و مجموعه شهری متفق القول اند؟

کرمانشاه:

کرمانشاه پیش از اسلام یکی از شهرهای مهم ایران به شمار می رفت و پس از اسلام بارها توسط اعراب مورد حمله قرار گرفت؛ جاذبه های تاریخی پیش از اسلام شهر کرمانشاه بیشتر آثار باقی مانده از دوران ساسانیان است که سرآمد آنها طاق بستان است که به گونه ای نماد شهر کرمانشاه هم به حساب می آید و در پایین تر از محوطه تاریخی طاق بستان و شهر تاریخی کامباده منطقه ای به نام شکارگاه خسروپرویز وجود دارد که در زمان خسروپرویز برای شکار تفریحی کاربرد داشته است که در نقش برجسته های طاق بستان این شکارها به تصویر کشیده شده اند. سنگ نیشته بیستون نیز از آثار ثبت شده ایران در میراث جهانی یونسکو، در دامنه کوه بیستون قرار دارد. بیشتر بناهای تاریخی پس از اسلام شهر کرمانشاه بیشتر مربوط به دوره قاجار می شوند، زمانی که شهر کرمانشاه به دلیل موقعیت خود مورد توجه قرار می گیرد، این بناها که در نزدیکی بازار کرمانشاه و محله فیض آباد؛ محله قدیمی شهر قرار دارند شامل مسجدهای قدیمی، تکایا و خانه های قدیمی هستند، بازار کرمانشاه که در دوران پهلوی به چهار قسمت تقسیم شده است بیشتر این بناها را در خود و مناطق اطراف خود جای داده است. تکایای شهر کرمانشاه و اکثر مساجد تاریخی این شهر مربوط به دوران قاجار و پهلوی اول می باشند و معماری قدیمی شهر نیز در این حال و هوا فرو رفته است. (۱۶)

بررسی وضعیت میراث معماری در کرمانشاه:

آیا برآستی سیاست گذار و برنامه ریز شهری نمی داند که با یک تا متر عقب نشینی در فضاهایی نظیر خیابان مدرس کرمانشاه و کاشتن نماهای شیشه ای بانک ها در آنجا، در حقیقت شهر را نابود نموده و خاطره شهری را مدفون کرده است؟ آیا واقعا مشاور و یا دست اندر کاران برنامه حفظ و احیاء میراث فرهنگی به این امر واقف نیستند که با تغییر ابعاد، اندازه، تناسبات، شکل، تزئینات و گاهی کالبد بناهایی چون کاروانسرای بیستون، تکیه بیگلربیگی، خانه های سنتی و ... تنها جسمی بیجان از آن را برای آیندگان به ارمغان خواهیم گذاشت و با سپردن طرح های احیاء و مرمت آن به پیمانکاران و مجریان نا آگاه و بازاری، کمکی به تخریب بیشتر چنین فضاهایی را فراهم نموده ایم. ارزش این میراث های فرهنگی چقدر در محاسبات و برنامه ریزی های اجرایی وارد می شود. به نظر بنده این ها کسانی هستند که اعتقاد و یا آگاهی زیادی به وجود ارتباطی میان کالبد زندگی و کیفیت زندگی ندارند.

بررسی علل آسیب مواریث معماری و فرهنگی و ارائه راه حل:

توضیح دلایل به وجود آمدن وضعیتی که امروز مثلا در خیابان مدرس کرمانشاه شاهد هستیم، چندان پیچیده نیست. زیرا آن چه که امروز حفظ میراث فرهنگی ما را به مخاطره انداخته است:

۱- نفوذ رویکردی سرمایه داری، بساز بفروشی، سودجویی و کاسبکارانه در لایه های متعدد ساخت و ساز و نوسازی شهرها و مراکز شهری ماست. تخریب خصمانه و عجولانه بازار، تکاپا، خانه های سنتی، حجره ها و کاروانسراهای شهری و غیر شهری و صدها نمونه مشابه، همگی گواه بر نگاهی آزمندانه و سودجویانه در شکل گیری شهرهای معاصر می باشد. این نوع نگاه تا جایی پیش می رود که در دل بافت های سنتی جوازهای چند طبقه توسط شهرداری ها صادر می شود. این پدیده به خصوص در مراکز و بافت های سنتی شهرهای ما خسارت های جبران ناپذیری را فراهم می آورد. آیا دیگر می توان آن جداره های زیبا، دلنشین و جذاب خیابان مدرس را احیاء نمود. بی شک دیگر احیاء آن ممکن نیست.

۲- مشکل ما نبود قانون نیست. مشکل ما سلیقه ای برخورد کردن با این مقوله است. همچنین با بزرگ کردن چماق قانون نیز نمی توان مشکل را حل نمود. توجه به چنین موضوعی نیازمند سطح معینی از باور به حفاظت و نگهداری از ارزش های تاریخی و فرهنگی است و نیازمند تکوین تدریجی یک تحول اجتماعی است. حفاظت و صیانت از چنین میراثی را تنها می توان بواسطه همگانی کردن فرهنگ حفاظت، تحقق بخشید.

۳- همچنین تا زمانی که بافت های سنتی و ابنیه گذشته را نتوانیم بواسطه طرح های احیاء معاصر سازی کنیم و بعدی اقتصادی و پویا به آن نبخشیم، قادر به حفظ آن نخواهیم بود. شاید مثالی در این مورد جالب باشد که در بیست یا سی سال پیش، مردم اشیاء قدیمی را که در خانه ها داشتند یا می بخشیدند و یا ارزان می فروختند و یا حتی دور می ریختند. ولی امروز که به ارزش آنها به عنوان عتیقه پی برده اند، آنها را به قیمت گزاف می خرند و زیب و زیور خانه و کاشانه می کنند. حتی عده ای عتیقه تقلبی می سازند؛ چرا؟ چون ارزش مادی پیدا کرده. ولی هنوز ارزش آثار فرهنگی غیر منقول شناخته نشده، یا پذیرفته نشده است. بنابراین ما امانتداریم و موظف به صیانت آثار فرهنگی هستیم. و تا چنین نباشد، آینده درخشانی را نیز نمی توان متصور شد و نتیجه آن جز از خود بیگانگی حاصلی نخواهد داشت. از بین رفتن چنین آثاری یعنی از بین رفتن خاطره شهری و به قول والتر بنیامین شهر بی خاطره، دیگر شهر نیست،

کالبدی است مصنوعی. نگهداری و حفاظت از چنین آثاری نه تنها در حیطه وظائف سازمان میراث فرهنگی نیست، بلکه در حیطه سلسله مراتبی از نیروها و عوامل می باشد.

این عوامل در لایه اولی آن وظیفه شهرسازان و معماران است و در لایه بعدی و مهمتر در ارتباط با برنامه ریزان می باشد. در سطح عمیق تر مربوط به سیاست گذاران و دولت مردان می باشد که با تعیین سیاست های کلی می توانند به حفظ و نگهداری این آثار کمک نمایند. اما در عمیق ترین لایه و مهمتر از همه بواسطه حساسیت و دغدغه مردم در حفظ این آثار می توان به تداوم حیات آنها امیدوار بود. تجربه نیز در کشورهای موفق در این زمینه نشان داده است که حساسیت مردم نسبت به فضاهای و ابنیه تاریخی، منجر به جلوگیری از اعمال سلیقه ای متولیان، سیاست گذاران و مجریان شهرسازی و معماری در فرایند نوسازی شهری بوده است. متأسفانه امروز شاهد هستیم که به دلایل متعدد حتی خود شهروندان نیز نه تنها نسبت به مسئله فوق حساسیت و تعصب نداشته، بلکه گاهی در مواردی خود نیز به تخریب و فرسایش ابنیه فرهنگی کمک می نمایند. به عنوان مثال در یک نمونه موردی که خود شاهد بوده، به دلیل عدم توان خرید یک خانه سنتی در بافت توسط میراث فرهنگی و ثبت آن در فهرست آثار تاریخی میراث فرهنگی و تاریخی، صاحب خانه مذکور برای تصرف دوباره ملک خود و یا سود بیشتر، اقدام به تخریب بنای مذکور با آب بستن پی بنا، بدین وسیله و با تخریب کامل خانه مورد نظر، می تواند آن را تبدیل به آپارتمان نماید. در حالی که با احیاء آن و تبدیل بنای مذکور به یک عملکرد جدید می توانست هم موجبات حفظ بنای تاریخی را فراهم نماید و هم به اهمیت ارزش اقتصادی بیشتری دست یافت.

۴- مشکل دیگری که در امر حفاظت آثار تاریخی و فرهنگی در سطوح معماری و شهرسازی به عینه مشاهده می شود، فقدان دانش و تخصص مرتبط با این مقوله می باشد. ترغیب و تشویق اقتصاد مصرفی نتیجه ای جز رکود توسعه و عدم تداوم حیات ابنیه و بافتی نخواهد داشت و موجبات اضمحلال آنها را تسریع خواهد بخشید. بنابراین بدون شناخت ماهیت تاریخی و فرهنگی چنین بافت ها و ابنیه ای نمی توان هر نوع اقتصاد و به خصوص اقتصاد مصرفی را در دل آن تجویز نمود. اساساً ساختار و فلسفه وجودی بازار و بافت سنتی در گذشته براساس اقتصاد تولیدی شکل گرفته و لذا با تزریق اقتصاد مصرفی در دل آن که امروزه شاهد آن هستیم، قطعاً نتیجه ای جز تخریب و فرسایش آن نخواهد داشت و نمی توان انتظار توسعه ای پایدار نیز داشت.

۵- مسئله دیگر در ارتباط با حفاظت صنایع فرهنگی که شاهد آن هستیم، فقدان تاسیسات، تجهیزات و تسهیلات شهری مناسب در دل آن ها می باشد. که خود کمک زیادی در سرعت بخشیدن به تخریب آن را فراهم آورده است. همچنین نفوذ ارابه های آهنین تا استخوان چنین بافت های چیزی جز به سیطره در آوردن و تسخیر این بافت ها و آثار توسط عناصر مصنوعی امروزی ندارد. تعریض و تخریب آن عناصر و آثار در جهت تسهیل حرکت ماشین قطعا تبعاتی است که امروز شاهد آن هستیم. نگاهی به تجارب ارزنده و موفق سایر کشورها می تواند ما را به تبیین مولفه های کیفیت بخشی و حفظ این آثار ارزنده، بی شک کمک فراوانی خواهد نمود. توجه به این امر که با بهسازی و حفاظت صحیح ابنیه و بافت های قدیمی، نه تنها ارزش اقتصادی که ارزش های فرهنگی، آموزشی و حتی تحقیقی و مطالعاتی دارند، ما در در امر توسعه پایدار بیشتر ترغیب خواهد نمود.

نتیجه گیری:

میراث فرهنگی و طبیعی از جمله عواملی هستند که بطور مشترک و درکنار عوامل دیگر می توانند سهم موثری در توسعه پایدار داشته باشند. لذا برای ایفای نقش خود بصورت مستمر ضرورت حفاظت از آنها کاملاً مشهود است. پژوهش در مورد حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی برای تداوم بقای انسان بقدری حائز اهمیت است که یونسکو تمام کشورهای جهان را بر آن داشته است که روشهای نوینی را برای حفاظت و حراست آنها بکار گیرند. بدون تردید عامل توسعه فرهنگی می تواند از میراث طبیعی و فرهنگی محافظت کند. و در این ارتباط محیط نیز خود سبب گسترش ارزش های فرهنگی می شود، که این امر یکی از مهمترین اهداف توسعه پایدار است، زیرا زمانی که افراد یک جامعه فرهنگ خود را غنی می سازند نسبت به لزوم حفظ میراث طبیعی و گذشتگان خود آگاه می شوند.

در این مورد بر نقش آموزش نیز در تمامی سطوح باید تاکید شود، زیرا آموزش موجب رشد و توسعه فرهنگی خواهد شد و آثار مثبت خود را به دنبال خواهد داشت، در فرهنگ توسعه نیز هدف این است که به میراث فرهنگی و طبیعی آسیبی وارد نشود. از این رو مراقبت از میراث فرهنگی و طبیعی بخش لازم یک سیاست فرهنگی است و در این خصوص دولت ها می توانند بسیار کمک کنند و نقش موثری داشته باشند.

میراث فرهنگی-معماری به عنوان مرجع و منبع اساسی آموزشی آموزش معماری قلمداد می شود و می تواند زمینه پیوستگی هویتی ما را فراهم نماید. لذا باید در خصوص حراست از گذشته و حراست از آینده دچار فراموشی ملی نشویم و با باور به آگاهی مرکب از میراث فرهنگی-معماری در جهت تقویت ریشه های فرهنگی آموزش معماری و تسری کیفیت آن به نسل های امروز و فردای این مرزوبوم باید یاد گرفت و یاد داد.

درک میراث فرهنگی در وسیع ترین مفهوم آن به درکی ظریف و عمیق، وسیع و جامع و هم چنین به ساختاری فاخر، پیچیده و آموزشی اشاره دارد. ارزشهای نهفته در پهنه وسیع بنیان های فرهنگی-معماری که طیفی از تعاملات، در تعادل هماهنگ کارکرد های محیط زندگی و زندگی محیط می باشند، چون رازهای تاریخی سر به مهری هستند و شایسته است در فرآیند آموزشی آموزش معماری بسود هویت فرهنگی - معماری کشور درک، رمز گشایی و ارزش گذاری شوند.

امروزه کنوانسیون میراث جهانی پاسخگوی نیاز جهانی برای ثروت های طبیعی و فرهنگی است که به تمامی انسانها تعلق دارد و نه تنها به تمامی انسانها تعلق دارد و نه تنها به اختیارات مستقل دولتهای ملی احترام می گذارد، بلکه کشورهای جهان را تشویق می کند که امر حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی خود را جدی بگیرند.

کنوانسیون میراث جهانی در بالا بردن آگاهی های مردمی در سراسر جهان نقش موثری ایفا می کند و برنامه های متنوعی را در دستور کار خود قرار داده است که تمام اهداف توسعه پایدار را به دنبال دارند.

در مورد بحران بوجود آمده در زمینه میراث فرهنگی و حفاظت آنها آنچه مسلم است این است که سیاست گذاریهای واقع بینانه اداره کنندگان جهان و دولتمردان کشورها و نهادهای مدنی، به همراه توانمندیهای تخصصی اندیشمندان و صاحب نظران خواهد توانست از میزان بحران های موجود بکاهد و مانع از تشدید آن شود.

موفقیت در هر نوع برنامه حفاظت از ابنیه تاریخی و میراث فرهنگی با توجه به اصل مشارکت مردمی و تعامل بین مردم و مسئولان میسر می گردد. و این مشارکت باعث آشنایی مردم با امکانات و محدودیت ها، افزایش سهم مردم در

حل مسائل شهری و حفاظت بهتر این‌ها می‌شود. در این راستا لازم است با ایجاد و تقویت حس تعلق به این‌ها تاریخی و فرهنگ سازی مناسب زمینه مشارکت مردم را در معاصر سازی و باززنده سازی این‌ها تاریخی فراهم آوریم.

منابع:

- ۱- مردمی، کریم، محمدمرادی، اصغر، الزامات ارزش گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری، ۱۳۸۷، مجله بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، ویژه نامه معماری و شهرسازی
- ۲- زرشکن عابد، لیلایا، تحلیل چالش های بخش فرهنگ، مجلس پژوهش، ص ۱۷
- ۳- جنگ، اندیشه، هویت، ۱۳۸۰، حسن احمدی، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، سال ، ص ۲۹
- ۴- شاهراهای اطلاعاتی، ۱۳۸۳، حمید امیری صفت، نشر ساقی، ص ۱۱۲
- ۵- صفاران، الیاس، بهره وری از میراث‌های فرهنگی و باستان شناسی در کشورهای اروپایی، (۱۳۸۱)، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ص ۱۴۳
- ۶- مرمت شهری، ۱۳۸۸، حبیبی، سید محسن، مقصودی ملیحه، انتشارات دانشگاه تهران
- ۷- رضوانی، علی اصغر، حفاظت مشترک از میراث فرهنگی و طبیعی ضرورتی برای دستیابی به توسعه پایدار، ۱۳۷۹، مجله علمی پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ص ۳
- ۸- حناچی، پیروز، صابری کاخکی، سیاوس، طراحی امروز در شهر دیروز، مطالعه موردی توس، ۱۳۸۵، ص ۲
- ۹- رهنمودهای مدیریت برای محوطه های میراث فرهنگی جهان، ۱۳۸۲، فیلدن، برنارد، یوکالتو، یوگا، ترجمه سوسن چراغچی، سازمان میراث فرهنگی
- ۱۰- میرمیران، هادی، میزگرد درباره معماری امروز-معماری ماندگار، ۱۳۸۷، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۵۱/۵۰
- ۱۱- پیرنیا، محمدکریم، بناهای تاریخی هر کشور در حکم شناسنامه های فرهنگی، ۱۳۵۲، مجله فرهنگ و هنر شماره ۱۷
- ۱۲- استمرار هنر معماری در ایران، ۱۳۵۰، مصطفوی، محمدتقی، انتشارات اطلاعات تهران
- ۱۳- امیدی فر، سیروس، خمسه، اصغر، نقش کتابخانه در توسعه فرهنگی، ۱۳۸۷، شیرازه نشریه الکترونیکی علوم کتابداری، شماره ی ششم
- ۱۴- پور جعفر، م- پورمند، ح- ذبیحی، ح- هاشمی، ل- تابان، پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت های تاریخی، ۱۳۹۰، فصلنامه علمی پژوهشی شهر ایرانی اسلامی
- ۱۵- حسینی، حمایت از مالکین بهره برداران آثار تاریخی، فرهنگی واملاک واقع در حریم آنها به منظور ارتقا بافت های تاریخی